

## غزل شماره ۳۷۵

صوفی یا که خرقة سالوس بر کشیم  
وین نقش زرق را خط بطلان به سر کشیم

نذوق صومعه در وجه می نهیم  
دلخ ریاب به آب خرابات بر کشیم

فردا اگر نه روضه رضوان به ما دهند  
غلمان ز روضه حور ز جنت به در کشیم

بیرون بهمیم سرخوش و از بزم صوفیان  
غارت کنیم باده و شاهد به بر کشیم

عشرت کنیم ورنه به حسرت کشدمان  
روزی که رخت جان به جهانی دگر کشیم

سر خدا که در تن غیب متروست  
مستانه اش نقاب ز رخسار بر کشیم

کو جلوه ای ز ابروی اوتا چو ماه نو  
کوی سپهر در خم چو کان زر کشیم

حافظه حدماست چنین لاف مازدن

پای از گفتم خویش چرا بیشتر کشیم

## تفسیر فال

بیشتر با خدا باشید و ارتباط خود را با او تقویت کنید. از انجام کارهای ناشایست و ناپسند پرهیز نمایید، چرا که در زندگی هیچ چیز جز رضایت الهی ارزش واقعی ندارد. باید به یاد داشته باشید که همه ی کارها با پول حل نمی‌شود؛ ثروت مادی هرگز نمی‌تواند جانشین اعمال صالح و نیکو در زندگی آخرت شود. روزی خواهد رسید که متوجه خواهید شد برای سفر به آن دنیای ابدی، توشه‌ای جز گناه برای خود فراهم نکرده‌اید. بنابراین، عجله کنید و دست از ارتکاب گناه بردارید؛ چراکه این فرصت‌ها محدود هستند. خوشگذرانی به خودی خود گناه نیست، به شرط اینکه در آن معصیت و خطا وجود نداشته باشد. این میدان بزرگ است، پس با گفتن «بسم الله» آغاز کنید و از طمع ورزی پرهیزید؛ همچنین پایتان را از گلیمتان درازتر نکنید تا دچار مشکل نشوید.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو و سلام دنیا](#)